



پول

□ مایک الن

□ برگردان: ابوالقاسم جاوید

افغانستان پیروزی با

بوش در جنگ، عنوان کتابی است که به تازگی توسط معاون سرداری روزنامه و اشتنگن پست آقای باب دوارد به نشر رسیده است. این کتاب در پشتیبانی از نیروی اتحاد شمال در یک بازی ضربی، دو دستگی پدید ماحصل چهار ساعت مصاحبه‌وی با جورج بوش و تایج ۱۵۰۰۰ منانی می‌آید، در یک مورد پتاگون طرح گشیل ۵۰۰۰ هزار نیروی نظامی را است از جر و بحث‌های شورای امنیت ملی و نشتهای جدأگاهه‌ای که قصر سفید در مورد افغانستان صورت گرفته است.

این همه حقه یازی میان همکارانش به ستوه می‌آید و می‌گوید: از این همه کندی در جلسه راضی نیست و وی علاقمند است تازودتر نتیجه به دست آید. بالاخره وقتی جلسات دو هفته پیش از شروع عملیات در قصر سفید به اوج می‌رسد، وی تصريح می‌کند که آنها از استراتژی مورد بحث پشتیبانی کنند. از این که اعضای کابینه متفق الراءی نیستند، بوش کلاهه به نظر می‌رسد و می‌گوید: اجازه ندهیم مطبوعات مارا تحت فشار مزید بگذارند.

آقای دوارد در کتابش می‌نویسد که چگونه سازمان سیاهقتاد میلیون دالر به صورت نقدی در داخل افغانستان مصرف کرده است. اکنون قسمت‌هایی از این کتاب را مرور می‌کنم:

وی در این کتاب نشان داده که مشاور رئیس جمهور با هر نوع عملیات زودرس در افغانستان موافق بوده است و پیشنهاد می‌کند که سازمان سیا با به کار انداختن پول طالبان راشکست دهد، بدون آن که به مخاطره اندختن نیروی نظامی ایالات متحده در منطقه لازم باشد. وی در توضیح جلسات شورای امنیت ملی می‌نویسد که چگونه اختلاف میان کابینه آقای بوش و مشاورش در نوع استراتژی جنگ درمی‌گیرد. آقای کالین پاول وزیر خارجه طبق روال همیشگی با نظرات معاون رئیس جمهور و وزیر دفاع مخالفت می‌ورزد و تلاش می‌کند تا رئیس جمهور را مقاعده سازد. این عدم تعامل تعدادی از اعضای کابینه در ارتباط با





عقربه ساعت ۱۲/۳۰ بعد از ظهر ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱ را نشان می‌دهد. یک فروند هلی کوپر MI-17 ساخت روسیه که حالا در اختیار سیا قرار دارد به طور محظایه در ارتفاع ۴۵۰۰ متری می‌بیچد تا در دره پنجشیر شمال شرق افغانستان فرودمی‌یابد. گاری نام، یک افسر مخفی سیا که نام خانوادگی اش افشا نشده است، با هیکل درشت و چهره مدورش در یک مأموریت حساس و خطرناک در تلاش است تا اولین حرکت مبارزه با تروریسم آقای بوش را به انجام برساند. وی رایک دسته از چتربازان سرویس اطلاعات و امنیت که با ادوات پیشرفته ارتباطات مجهزاند - تا در موقع لزوم مستقیماً به مرکز سیا در لانگ لی ویرجینا وصل یاشند - همراهی می‌کند.

میان زانو انش صندوق آهنی بزرگ حاوی سه میلیون دالر درسته‌های ۱۰۰ نوتی قرار دارد. وی هر وقت در فیلم در تلویزیون دیده که کسی دستکول یک میلیون دالری را از جایی به جای دیگر حمل می‌کند، در دلش خنده‌ده است، زیرا وی بارها این کار را عملماً و عیناً انجام داده است. برای وی حمل سه میلیون دالر هم یک امر عادی به حساب می‌آید. اما این دفعه وی مأموریت دشواری پیش رو دارد. وی مجبور است این پول را برای چند و چندین نفر به صورت مجزا تقسیم نماید. گاری، مدت ۳۲ سال در محور عملیات‌های سیا قرار داشته است. آدم پر تجربه‌ای است و بعد از این همه مدت دیگر مایل نیست ادامه دهد. در دهه ۱۹۷۰ وی به سان یک مأمور مخفی در تهران کار کرده است و بعد هم در اسلام آباد. وی توانسته مأمورین را در آنجا با پول به استخدام درآورد.

۱۱ سپتامبر، گاری چند هفته پیش از تقاعدهش در پرونده سر من برد؛ چهار هفته بعد وی تلفنی دارد از آقای کوفی بلکار نیس بخش مبارزه با تروریسم. بلک ازوی می‌خواهد که به مرکز مراجعت کند: مأطلعیم که تو می‌خواهی بازنشسته شوی. ما می‌خواهیم یک تیم را به مأموریت بفرستیم. فقط تو می‌توانی از عهده فرماندهی آن برآیی. گاری طی سالها مأموریتش در افغانستان هر دو زبان رایج دری و پشتو را به خوبی آموخته است. زمانی که وی رئیس بخش در اسلام آباد بوده، سفرهای پنهانی زیادی در داخل افغانستان کرده بارهیان ائتلاف شمال دیدار داشته و پروسه وی به طور معمول دوصد هزار دالر را روی میز نهاده است. بلک می‌گوید: ادامه بده. رهبران ائتلاف شمال را قادر به همکاری کن تا نیروهای امریکا در منطقه پیاده شوند. شش روز بعد گاری همراه تیم ده نفره اش با کد «دشوار شکن» امریکاران را کن. حالا «دشوار شکن» فرمان دارد تا مطابق دستور رئیس جمهور آستینه را بالا زند. شما مأموریت خاصی دارید. آقای بلک می‌گوید: بروید اعضاً القاعده را بیاید و بکشید. ما می‌خواهیم آنها و اسامه بن لادن را نابود کنید. من سر بن لادن را می‌خواهم تا آن را به رئیس جمهور نشان دهم.

۲۷ سپتامبر گاری به پنجشیر می‌رسد و با فهیم وزیر دفاع و عبدالله وزیر خارجه ائتلاف شمال نشست می‌کند. وی یک میلیون دالر را به آن دو می‌سپارد و می‌گوید: هر نوع مصلحت دیدید آن را خرج کنید. آقای فهیم می‌گوید: ما ده هزار جنگجو داریم با امکانات اندک. وی خاطر نشان می‌سازد رئیس جمهور به این مأموریت اهیعت ویژه قابل است و می‌خواهد شما بانیروی ایالات متحده امریکا تعاون کنید. فهیم می‌گوید: خوش آمدید. ما هر کاری از دستمنان برآید برایتان می‌کنیم. اما سوال اینجاست که شما چه وقت جنگ را شروع می‌کنید؟ چه وقت می‌آید و چه زمانی حمله می‌کنید؟ گاری پاسخ می‌دهد: نمی‌دانم، ولی خیلی زود. تا آماده شویم و نیروها را جایه جا کنیم. ما همه چیز را ملاحظه می‌کنیم. ما آن قدر شمارا در برابر دشمن پشتیانی خواهیم کرد که تصورش را نکرده باشید.

۳ اکتبر، گاری دوباره باز می‌گردد تا منطقه ای را برای فرود طیاره جستجو کند. گلبهار همان نقطه‌ای است که قبل از انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۹ از آن استفاده کرده اند و گاری آن را برای ارسال کمکها مناسب تشخیص داده و انتخاب می‌کند. وی از قوماندان عارف رئیس اطلاعات اتحاد شمال می‌خواهد تا مکانی را در گلبهار برای فرود طیاره مهیا سازد و دوصد هزار دالر برایش پول می‌دهد. عارف سه عراده جیپ به قیمت ۱۹۰۰۰ دالر و یک تانک آب به مبلغ ۲۲۰۰۰ دالر و همین طور سوخت هلی کوپر - که هیچ گاه وجود عینی به خود نمی‌گیرند - را ظاهراً خریداری می‌کند.

چنان‌تو می‌فرانکس قوماندان قوای نظامی ایالات متحده در منطقه تصريح می‌کند که نبرد در صحنه رانیروهای ائتلاف شما باید انجام دهد و ایالات متحده اشتباه روسیه سابق را مبنی بر تهاجم همه جانبه ایالات متحده تکرار نخواهد کرد، زیرا این به معنی خودکشی خواهد بود.

نهم نوامبر مزار شریف سقوط می‌کند. سه روز بعد کابل و اگنار می‌شود و در ۷ دسامبر پایگاه اصلی طالبان، قلعه‌های، سقوط می‌کند و این طور ادامه می‌یابد. نیروهای اتحاد شمال همراه بانیروهای امریکا بر سر قدرت هستند. جورج تیتن رئیس سازمان سیا پس از نهایت مغروز از این همه پیروزی است. در همه جا میان اقوام برای نایبودی طالبان پول توزیع شود. در بعضی موارد حتی قیمت گرفتن یک منطقه مشخصی تعیین می‌شود. در این صورت صحبت از معاملة هزاران دالر است. پول همه جا زیان رایج است. بالاخره سازمان سیا برآورده می‌کند که مبلغ هفتاد میلیون دالر را به طور نقدی در صحنه نبرد افغانستان به مصرف رسانده است. این مبلغ به شمول سرمایه گذاری در شفاهانه‌های سیار می‌باشد.

○ منبع: روزنامه The Age، ۲۰ نوامبر ۲۰۰۲، استرالیا